



۲۶- «چهار دانشجو قول دادند که دروغ همکلاسی‌شان را برای دیگران آشکار کنند!»:

- (۱) أربعة طلابٍ عاهدوا أن يبيّنوا كذب زميلهم للآخرين!
 (۲) عاهد أربعة من الطّلاب لكي يبيّنوا كذب زميلهم للآخرين!
 (۳) عاهد أربعة من الطّلبة لكي يبيّنوا كذب زميلهم للآخرين!
 (۴) أربعة طلبية عاهدوا أن يبيّنوا كذب زميلهم للآخرين!

۲۷- عَيّن الصّحيح للتّوضيحات التّالية:

- (۱) القطن: أداة صغيرة تُستعمل لقياس درجة الحرارة!
 (۲) لن: حرف نفى للاستقبال يدخل على الفعل المضارع فقط!
 (۳) الصّيدلي: مكانٌ نشترى من هناك أدوية المرضي!
 (۴) الخُطة: برنامجٌ للوصول إلى هدفٍ وتُجنحُ على الخُطوط!

سوف ليس اسم المفعول:

- (۱) آلا يتدخل في موضوعٍ يُعرضه للتهم!
 (۲) قرأت قصة جميلة عن رجلٍ مجنونٍ يُسمّى بهلولا!
 (۳) أليس في هذه الشركة موظفٌ لاتبّ لحلّ المشكلة!
 (۴) محاصيلنا الزراعيّة تُصدّر كلّ سنةٍ إلى خارج البلاد!

۲۹- عَيّن الخطأ في نفي الفعل:

- (۱) جالسٌ هؤلاء الرجال! = لا تجالس هؤلاء الرجال!
 (۲) تكلم صديقي عن مشاكله! = ما تكلم صديقي عن مشاكله!
 (۳) يفرس الفلاح هذا الفرس! = لا يفرس الفلاح هذا الفرس!
 (۴) سذهب اليوم إلى الجامعة! = سوف لا نذهب اليوم إلى الجامعة!

۳۰- عَيّن الخبر موصوفاً بالجملة:

- (۱) أنزل الله من السماء ماءً أحيا به كلّ شيءٍ ما!
 (۲) نظرت إلى سماءٍ تطير فيها الطيور المختلفة!
 (۳) لحظة الرجوع إلى أمتي لحظة أنتظرها منذ سنوات!
 (۴) عصفت رياحٌ شديدة خربت بيتاً جنب شاطئ البحر!

عربي ۲- گواه (آشنا)

■ عَيّن الأصحّ والأدقّ في الجواب للتّرجمة من أو إلى العربية: (۳۱ - ۳۳)

۳۱- «أدعُ إلى سبيل ربّك بالحكمة والموعظة الحسنة وجادلهم بالتي هي أحسن»:

- (۱) به راه پروردگارت با حکمت و موعظه نیکو دعوت کن. و با آنان با آنچه نیکوتر است مجادله کن!
 (۲) به راه خدای خود به وسیله دانش و بند نیکو فراخوان. و با آنان به وسیله سخنان خوب و زیبا مقابله کن!
 (۳) دعوت به راه خداوند باید با حکمت و موعظه بستند به باشد. و با آنان با هرچه نیکوتر است مجادله کن!
 (۴) فراخواندن به راه خدای خود را از طریق بند و اندرز، زیبا انجام بده. و با آنان با شیوه‌ای بهتر مقابله کن!

۳۲- «وجدت الشمس أقوى مصدر يكتفينا نورها و حرارتها، دون أن تحربنا إلينا أو تتعدنا عتلاً»:

- (۱) دیدم خورشید قوی‌ترین منبع است که نور و حرارتش، بدون این‌که به ما نزدیک و یا از ما دور شود برایمان کافی است!
 (۲) خورشید را پراورزی‌ترین منبع یافتم که نورش و حرارتش برایمان کافی است. بدون نزدیکی به ما و دوری از ما!
 (۳) خورشید را نیرومندترین منبعی یافتم که نور و حرارت آن، بی آنکه به ما نزدیک شود و یا از ما دور شود برای ما کافی می‌باشد!
 (۴) این خورشید قدرتمندترین منبعی است که نور و حرارتش برای همه ما کافی می‌باشد بدون آنکه بتواند نزدیک به ما یا دور از ما شود!

۳۳- عَيّن الخطأ:

- (۱) من يحبّ الله و خدمة عباده فله سكينه لا تشاهد في الآخرين! کسی که خدا و خدمت به بندگانش را دوست دارد که در دیگران مشاهده نمی‌شود!
 (۲) من يتعلم حتى يعلم الآخرين و يفهم فلاشك هو الأفضل! هر کس که دانش فرا گیرد تا به دیگران یاد بدهد و به آنان سود برساند بی‌شک او برترین است!
 (۳) جعل الله فينا منادياً لينبذ عن المعاصي و إن لا نستطيع أن نسمعه! خدا در ما منادی را قرار داد تا از گناهان دور شویم اگرچه گوش ندهیم!
 (۴) كُن متفانلاً حتى يزيد رجاؤك و ترى فرص الخير! خوشبین باش تا امید تو افزون شود و فرصت‌های خوب را ببینی!



۲۶- «چهار دانشجو قول دادند که دروغ همکلاسی‌شان را برای دیگران آشکار کنند»:

(۱) أربعة طلابٍ عاهدوا أن يتبينَ كذبَ زميلهم للآخرين!

(۲) عاهد أربعةٌ من الطلابِ لكي يُبينوا كذبَ زميلهم للآخرين!

(۳) عاهد أربعةٌ من الطلبةِ لكي يتبينَ كذبَ زميلهم للآخرين!

(۴) أربعةٌ طلبيةٌ عاهدوا أن يُبينوا كذبَ زميلهم للآخرين!

۲۷- عَيْنَ الصَّحِيحِ لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ:

(۱) القطن: أداة صغيرة تستعمل لقياس درجة الحرارة!

(۲) لن: حرف نفى للاستقبال يدخل على الفعل المضارع فقط!

(۳) الصيدلي: مكانٌ تشتري من هناك أدوية المرضى!

(۴) الخُطَّة: برنامج للوصول إلى هدفٍ و تُجمَعُ على الخُطُوطِ!

۲۸- عَيْنَ الموصوفِ لیس اسم المفعول:

(۱) على المرء آثا يتدخل في موضوعٍ يعرضه للتهمة!

(۲) قرأتُ قصة جميلة عن رجلٍ مجنونٍ يُسمَى بهلولا!

(۳) أليس في هذه الشركة موظفٌ لاتبى لحل المشكلة!

(۴) محاصيلنا الزراعية تُصدَّرُ كلَّ سنةٍ إلى خارج البلاد!

۲۹- عَيْنَ الخُطَأِ في نفي الفعل:

(۱) جالِسٌ هؤلاء الرجال! = لا تُجالِسُ هؤلاء الرجال!

(۲) تكلمُ صديقي عن مشاكله! = ما تكلمُ صديقي عن مشاكله!

(۳) يفرِسُ الفلاحُ هذا الفرس! = لا يفرِسُ الفلاحُ هذا الفرس!

(۴) سذهبُ اليوم إلى الجامعة! = سوف لا نذهبُ اليوم إلى الجامعة!

۳۰- عَيْنَ الخبرِ موصوفاً بالجملة:

(۱) أنزل الله من السماء ماءً أحيا به كلَّ شيءٍ ما!

(۲) نظرت إلى سماءٍ تطير فيها الطيور المختلفة!

(۳) لحظة الرجوع إلى أمتي لحظة أنتظرها منذ سنوات!

(۴) عصفت رياحٌ شديدة خربت بيتاً جنب شاطئ البحر!

عربي ۲- گواه (آشنا)

■ عَيْنَ الأصَحِّ و الأَدَقِّ في الجوابِ للترجمة من أو إلى العربية: (۳۱ - ۳۳)

۳۱- «أدعُ إلى سبيل ربك بالحكمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتى هي أحسن»:

(۱) به راه پروردگارت با حکمت و موعظه نیکو دعوت کن. و با آنان با آنچه نیکوتر است مجادله کن!

(۲) به راه خدای خود به وسیله دانش و بند نیکو فراخوان. و با آنان به وسیله سخنان خوب و زیبا مقابله کن!

(۳) دعوت به راه خداوند باید با حکمت و موعظه پسندیده باشد. و با آنان با هرچه نیکوتر است مجادله کن!

(۴) فراخواندن به راه خدای خود را از طریق بند و اندرز، زیبا انجام بده. و با آنان با شیوه‌ای بهتر مقابله کن!

۳۲- «وجدت الشمس أقوى مصدرٍ يكفينا نورها و حرارتها، دون أن تقربنا إلينا أو تبتعد عنا»:

(۱) دیدم خورشید قوی‌ترین منبع است که نور و حرارتش، بدون این‌که به ما نزدیک و یا از ما دور شود برایمان کافی است!

(۲) خورشید را پرانرژی‌ترین منبع یافتیم که نور و حرارتش برایمان کافی است. بدون نزدیکی به ما و دوری از ما!

(۳) خورشید را نیرومندترین منبعی یافتیم که نور و حرارت آن، بی آنکه به ما نزدیک شود و یا از ما دور شود برای ما کافی می‌باشد!

(۴) این خورشید قدرتمندترین منبعی است که نور و حرارتش برای همه ما کافی می‌باشد بدون آنکه بتواند نزدیک به ما یا دور از ما شود!

۳۳- عَيْنَ الخُطَأِ:

(۱) من يحبُّ الله و خدمة عباده فله سَكِينَةٌ لا تُشاهد في الآخرين! کسی که خدا و خدمت به بندگانش را دوست دارد آرامشی دارد که در دیگران مشاهده نمی‌شود!

(۲) من يتعلم حتى يُعلم الآخرين و يفهم فلاسكت هو الأفضل! هر کس که دانش فرا گیرد تا به دیگران یاد بدهد و به آنان سود برساند بی شک او برترین است!

(۳) جعل الله فينا منادياً لينبذ عن المعاصي و إن لا نستطيع أن نسمعه! خدا در ما منادی را قرار داد تا از گناهان دور شویم اگرچه گوش ندهیم!

(۴) كُنْ مثافلاً حتى يزيد رجاؤك و ترى فرص الخیر! خوشبین باش تا امید تو افزون شود و فرصت‌های خوب را ببینی!



• الكذب

صفحة ۴۳ تا ۶۳

چند از ۱۰ آزمون قبل	هدف گذری چند از ۱۰ برای آزمون امروز
---------------------	-------------------------------------

از هر ۱۰ سؤال به چند سؤال می‌توانید پاسخ صحیح بدهید؟
عملکرد شما در آزمون قبل چند از ۱۰ بوده است؟
هدف گذاری شما برای آزمون امروز چیست؟

■ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ: (۲۱ - ۲۶)

۲۱- «إِذَا وَافَقَ الْأَسْتَاذُ أَنْ يُوجَلَ لَنَا الْإِمْتِحَانَاتِ لِمُدَّةِ أَسْبُوعَيْنِ نَجَحَتْ خَطَطُنَا!»:

- ۱) وقتی که استاد موافقت کرد تا آزمون‌ها برای ما به مدت دو هفته به تأخیر بیفتد، نقشه‌های ما گرفت!
- ۲) هرگاه استاد موافقت کند که آزمون‌های ما را برای مدت دو هفته به تأخیر بیندازد، نقشه ما می‌گیرد!
- ۳) اگر استاد موافقت کند که آزمون‌ها را برای ما به مدت دو هفته به تأخیر بیندازد، نقشه‌های ما می‌گیرد!
- ۴) هرگاه استاد موافقت نمود تا آزمون‌های ما برای مدت دو هفته به تأخیر بیفتد، نقشه‌های ما گرفت!

۲۲- «لَنْ يَسُوقَ السَّائِقُونَ أَبَدًا فِي هَذَا الشَّارِعِ الْمَحْدَثِ لِأَنَّ هُنَاكَ حَفْرَةَ عَمِيقَةَ فِي ذَلِكَ الشَّارِعِ!»:

- ۱) در این خیابان معین شده رانندگان به رانندگی نمی‌پردازند چرا که در آن خیابان جاله‌های عمیقی وجود دارد!
- ۲) راننده‌ها در این خیابان‌های مشخص شده هرگز رانندگی نخواهند کرد زیرا در آن‌ها گودالی عمیق هست!
- ۳) رانندگان هرگز در این خیابان مشخص شده رانندگی نخواهند کرد زیرا چاله عمیقی در آن خیابان وجود دارد!
- ۴) در این خیابانی که تعیین شده رانندگان هرگز رانندگی نخواهند کرد چرا که یک گودال عمیق در آن وجود دارد!

۲۳- «أَحْذِرْ إِطَارَاتِ سَيَّارَتِنَا قَدْ انْفَجَرَ وَ لَيْسَ لَنَا إِطَارًا احتياطيًّا! أَيضًا فَلْنَا لَنْ نَسْتَطِيعَ الْاِسْتِفَادَةَ مِنْهَا غَدًا!»:

- ۱) یک نفر جرخ‌های خودرو ما را منفجر کرده است و جرخ زاپاس نداریم بنابراین فردا نخواهیم توانست از آن استفاده کنیم!
- ۲) یکی از جرخ‌های خودرو ما ترکیده بود و ما جرخ زاپاس نیز نداشتیم از این رو دیروز نمی‌توانستیم از آن استفاده کنیم!
- ۳) یک نفر جرخ‌های خودرو ما را ترکانده است و برای ما حتی جرخ یدکی هم نیست بنابراین فردا از آن استفاده نخواهیم کرد!
- ۴) یکی از جرخ‌های ماشین ما ترکیده است و ما جرخ یدکی هم نداریم از این رو فردا نخواهیم توانست از آن استفاده کنیم!

۲۴- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱) الفاضل هو الَّذِي لَا يَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ لِذَلِكَ لَنْ يَنْجِحَ فِي حَيَاتِهِ! يَازَنِدُهُ هَمَانُ كَسِي اسْتِ كِهْ يَهْ خَدَا تَوَكَّلَ نَمِي كَنْدِ بِنَا بَرَايِنِ دَرِ زَنْدِگِي اش مَوْفَقِ نَخَوَاهِدِ شَدَا
- ۲) أَفْضَلُ النَّاسِ هُمُ الَّذِينَ لَا يَجَالِسُونَ الْجُهْلَاءَ بَلْ يَتَجَنَّبُونَ عَنْهُمْ دَائِمًا! بَهْتَرِيْنِ اَفْرَادِ كَسَانِي هَسْتَنْدِ كِهْ هَمْرَاهِ جَاهِلَانِ نَمِي نَشِيْنَنْدِ بَلَكِهْ هَمِيْشِهْ اَزِ اَن هَا دُورِي مِي كَنْدِنْدَا
- ۳) أَخَذْتُ الدَّوَاءَ الَّذِي وَصَفَهُ لِي الطَّبِيبُ مِنَ الصِّدْلِيَّةِ الْمَرْكَزِيَّةِ! دَارُوَهَائِي رَا كِهْ دَكْتَرِ بَرَايِ مِنْ تَجْوِيْزِ كَرْدِهْ بُوْدِ اَزِ دَارُوَخَانَةِ مَرْكَزِيْ گِرَفْتَم!
- ۴) اسْتَعَدْتُ اَسْرَتِي لِلذَّهَابِ اِلَى مَنزَلِ جَدِّي، لَكِنْ اَخِي لَمْ يَذْهَبْ مَعَهُمْ! خَاْنُوَادَهَامِ بَرَايِ رَفْتِنِ بِهْ خَاْنَةِ پَدْرِيْزَرْگَمِ اَمَادِهْ شَدَنْدِ وَلِي بَرَادَرَمِ بَا اَن هَا نَمِي رُوْدَا

۲۵- عَيْنِ الْخَطَا:

- ۱) هُوَلَاءِ الْأَصْدِقَاءِ الْأَوْفِيَاءِ لَنْ يَكْذِبُوا أَبَدًا! اَيْنِ دُوسْتَانِ بَاوْفَا هَرْگِزِ دَرْوَعِ نَخَوَاهَنْدِ گُفْت!
- ۲) الصِّدْلِيَّةُ مَكَانٌ يَذْهَبُ الْمَرْضَى اِلَيْهِ لِشَرَاءِ الْأَدْوِيَّةِ! دَارُوَخَانَةُ مَكَانِي اسْتِ كِهْ بِيْمَارَانِ بَرَايِ خَرِيْدِ دَارُوَهَا، بِهْ اَن جَا مِي رُوْنْدَا
- ۳) اِنْ اسْتَشْرَتْ الْأَشْرَارَ قَلْنَ تَتَقَدَّمُ! اِگَرِ بَا بَدَانِ مَشُورَتِ كَنْي، بِيْشْرَفْتِ نَخَوَاهِي كَرْدَا
- ۴) كَانِ حُزْنِي يَزِيْدَادُ كُلَّ يَوْمٍ عِنْدَمَا مَا كُنْتُ اَعْمَلُ عَمَلًا مَفِيْدًا! نَارَا حَيْتِيْمِ هَرْ رُوزِ بِيْشْتَرِ مِي شُودِ وَاقْتِي كَارِ مَفِيْدِي اَنْجَامِ نَدَادهْ بُوْدَم!